

بررسی نقش صحابه ایرانی امام جواد (ع) در گسترش تاریخ‌نگاری اسلامی در دوران عباسی

سیداحمد عقیلی^۱

سیدمصطفی طباطبایی^۲

سمانه حجارپور خلیج^۳

چکیده

با شروع دوره زعامت و رهبری امام جواد (ع)، ایشان مانند اجداد گرامی‌شان، با سیاست تقیه، هم حفظ جامعه شیعه و هم بیان احکام اسلامی را سرلوحه اقدامات خویش قرار دادند. بر این اساس به فعالیت‌های علمی همت گماشته، شاگردان بسیاری تربیت کردند که توانستند بر حیات علمی و دینی جامعه اسلامی تأثیر گذارند.

از جمله شاگردان برجسته ایشان، می‌بایست به شاگردان ایرانی آن حضرت اشاره کرد که در گسترش برخی از علوم به ویژه علم تاریخ- که تحت تأثیر حکومت به علمی درباری درآمده بود- همت گماشتند. شاگردان آن حضرت سعی بر آن داشتند تا با استفاده از سخنان امام جواد (ع)، وقایع تاریخی را چنان‌که اتفاق افتاده بنگارند و با تحریفاتی که دستگاه خلافت به آن دست زده بود به مقابله برخیزند.

بر این اساس، مقاله به روش مطالعه کتابخانه‌ای با اتکا به اسناد و منابع تاریخی و تحلیل آن‌ها، این فرضیه را مطرح می‌نماید که شاگردان ایرانی امام جواد (ع)، در پرداختن به علم تاریخ و بیان حقایقی که دستگاه خلافت عباسی آن‌ها را تحریف یا مخفی

ص: ۱۵۴

^۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان.

^۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان.

^۳. کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی.

می‌کرد، بسیار تأثیرگذار بودند؛ به گونه‌ای که تاریخ‌نویسان بعدی با استفاده از آثار ایشان، به بیان بعضی از واقعیات تاریخی عصر خلافت عباسی پرداختند. فرضیه‌ای که در این مقاله با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها به آن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، خلافت عباسی، شاگردان ایرانی، علم تاریخ.

مقدمه

امام جواد (ع) در دهم رجب و به قولی در نوزده ماه رمضان سال ۱۹۵ هجری به دنیا آمدند. نام مادرشان سُبَیْکَه نوبیه بود که امام رضا (ع) او را خیزران نامیدند. القاب آن حضرت تقی، جواد، قانع، زکی، منتجب و مرتضی و کنیه‌اش اباجعفر ثانی است.^۴

به امامت رسیدن ایشان در سن کم، باعث شد اضطرابی در میان شیعیان به وجود بیاید و در واقع جهان تشیع با دو سؤال اساسی روبه‌رو شد: یکی این‌که آیا کودک نابالغ می‌تواند امام باشد؟ دیگری این‌که آیا یک کودک توانایی رهبری جهان تشیع را دارد؟

امام رضا (ع) در دوران امامت خویش در سال‌های پایانی حیاتشان، چون محتمل می‌دانستند چنین شبهاتی درباره امامت امام جواد (ع) پیش آید، با شهادت طلبیدن برخی بزرگان شیعی همانند ابویحیی صنعانی، ابن‌سباط و عباد بن اسماعیل، آنان را در این امر شاهد گرفتند.^۵ امام جواد (ع) نیز با آگاهی تمام، در چند جای به پرستندگان و تردیدکنندگان پاسخ گفته‌اند و با استدلال به این‌که امامت منصب و مقام الهی است و خداوند اگر اراده‌اش تعلق گیرد، این شایستگی و ظرفیت را برای برتافتن امانت و مسئولیت ایجاد می‌کند، به نمونه‌های تاریخی در پیامبران الهی اشاره کردند که در کتب آسمانی تورات و

ص: ۱۵۵

انجیل و قرآن آمده است.^۶ به هر روی، امام با این استدلال، هم درک بالای خود را نشان دادند و هم از اراده خداوندی در سپردن مسئولیت الهی به افراد کم‌سن، ولی دارای توان و علم و حکمت سخن گفتند.

^۴ . مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۳۷۹.

^۵ . الارشاد، ج ۲ ص ۲۶۴؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۳۱.

^۶ . فرق الشیعه، ص ۹۰.

بیش‌تر شیعیان پس از مدت زمانی که در امامت امام جواد (ع) تشکیک کرده بودند، با دیدن نشانه‌های امامت و به ویژه علم ایشان و همچنین پیروی بزرگان بنی‌هاشم مانند عموی امام از ایشان، امامت حضرت را پذیرفتند. با استقرار کامل امامت ایشان و فراگیر شدن آوازه علمی و شیفتگی مردم نسبت به آن حضرت، مأمون احساس خطر کرد و برای جلوگیری از هر اتفاق ناخوشایندی برای دستگاه خلافت، امام را به بغداد فراخواند و دختر خود ام‌فضل را به همسری ایشان درآورد تا از این طریق فعالیت امام را زیر نظر داشته باشد.^۷

دوران امامت امام جواد (ع) هفده سال به طول انجامید که هم‌زمان با خلافت مأمون، معتصم و واثق عباسی بود و در نهایت ایشان به تحریک خلیفه عباسی و به دست همسرش ام‌فضل در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسیدند.

از میان ۱۱۶ نفر از یاران امام جواد (ع) که در کتاب رجال طوسی نامشان آمده، حدود ۳۷ نفر ایرانی بودند. این دانشمندان ایرانی در دورانی که خفقان‌آورترین دوران برای امامان شیعه بود و آن‌ها در تنگنای شدیدی قرار داشتند، با برقراری ارتباط با ائمه (علیهم السلام)، فرهنگ و معارف اسلامی را اخذ کردند و در ترویج علم و تمدن اسلامی سعی بلیغ کردند و توانستند در برخی از علوم، به نگارش آثار ارزشمندی بپردازند.

در این پژوهش، ابتدا به معرفی شاگردان ایرانی امام جواد (ع) و سپس نقش آنان در علوم ادبی به ویژه علم تاریخ پرداخته می‌شود. اهمیت این پژوهش در آن است که با بررسی زندگانی هریک از این شاگردان، این مطلب به دست می‌آید که این شاگردان در نشر و تداوم فرهنگ شیعی بسیار کوشیدند و توانستند بر

ص: ۱۵۶

علوم و بزرگان علمی جامعه اسلامی تأثیر گذارند.

هدف اصلی مقاله، بررسی و تبیین نقش یاران ایرانی امام جواد (ع) در گسترش فرهنگ اسلامی در زمینه علوم مختلف به ویژه علم تاریخ است. سؤال اصلی که مقاله در پی پاسخی مستدل به آن است این‌که یاران ایرانی امام جواد (ع) چه نقشی در روند گسترش علوم اسلامی داشتند؟

اوضاع سیاسی - فرهنگی جامعه اسلامی در زمان امام جواد (ع)

^۷ . تاریخ یعقوبی، ص ۴۷۳.

^۸ . مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۷۹.

دوران امام جواد (ع)، از لحاظ سیاسی دوران بسیار آشفته‌ای بود. از طرفی مأمون مرکز حکومت خود را به بغداد منتقل کرد تا از آن‌جا بتواند تحرکات رومیان را بهتر پاسخ گوید و همچنین از خراسان دور بماند که کانون تنش علیه او بود و اینک مرکز شیعیانی شده بود که وی را عامل شهادت امامشان می‌دانستند. وی در همین دوران، سه بار به جنگ رومیان رفت و این‌گونه، خود را مجاهد دین اسلام معرفی می‌کرد. در درون سرزمین‌های اسلامی نیز شورش‌هایی رخ می‌داد که دستگاه خلافت را به خود مشغول می‌داشت. مهم‌ترین آن‌ها «شورش خرمیان» بود که در اواخر دوران مأمون شکل گرفت و هم وی و هم خلیفه بعد از او را به خود مشغول داشت.^۹

پس از مرگ مأمون (۲۱۸ ق) فرزندش معتصم جانشین او شد. دوران وی نیز همانند دوران مأمون شورش‌های داخلی و تحریکات خارجی علیه خلافت عباسیان شکل گرفت که در مهم‌ترین وقایع داخلی، معتصم توانست شورش بابک خرم‌دین و مازیار را که از حمایت رومیان نیز برخوردار بودند سرکوب کند. در بعد خارجی نیز با لشکرکشی به روم و فتح عموریه، ضربه سنگینی بر امپراتوری روم وارد آورد.^{۱۰}

دقیقاً از همین دوران نیز خلفای عباسی کم‌کم اقتدار خویش را از دست دادند

ص: ۱۵۷

و با ورود ترکان به دستگاه خلافت توسط معتصم عباسی، تصمیمات مهم درباره خلافت توسط این گروه گرفته می‌شد و تقریباً زمام دستگاه خلافت بر عهده ایشان بود؛ به گونه‌ای که خلیفه مجبور شد برای در امان ماندن مردم بغداد از ستم‌های ترکان، پایتخت خلافت را به سامرا منتقل کند. اواخر دوران معتصم و اوایل دوران واثق، دوره انتقال خلافت عباسی از دوران اول آن‌که اقتدار خلیفه در آن حرف اول را می‌زد، به دوران دوم است که ترکان و امرای درباری به جای خلیفه تصمیم می‌گرفتند.

این رویدادهای سیاسی، باعث نشد تا دستگاه خلافت از برنامه‌های فرهنگی غافل بمانند. مأمون پس از ورود به بغداد در سال ۲۰۴ هجری، به اصلاحات فرهنگی- سیاسی دست زد. وی به همین منظور «بیت‌الحکمه» را برای استفاده دانشمندان اسلامی تأسیس کرد و هیأتی از مترجمان درباره عباسی را به مراکز علمی تحت تصرف بیزانس فرستاد تا کتب

^۹. البدأ والتاریخ، ج ۲، ص ۹۷۳.

^{۱۰}. اخبار الطوال، ص ۴۴۵.

ریاضی، فلسفی و طبی را با خود به بغداد بیاورند.^{۱۱} وی هم‌چنین از مترجمان خواست تا کتب جمع‌آوری شده ایرانی، یونانی و هندی را ترجمه کنند و بدین ترتیب بیت‌الحکمه را وارث مراکز علمی جندی‌شاپور و اسکندریه قرار داد.

مأمون هم‌چنین به گفت‌گوی علمی با مذاهب، نحله‌ها و ادیان گوناگون علاقه‌مند بود و مجالس مناظره تشکیل می‌داد تا رؤسای این گروه‌ها، همچون زمان امام رضا (ع) در مرو و پس از آن حضرت امام جواد (ع)، به بحث و استدلال بپردازند.^{۱۲} بیش‌تر هدف وی از این کار آن بود که بتواند در مباحث علمی، امام را به زانو درآورد تا امامت ایشان را زیر سؤال ببرد، ولی نه تنها به این هدف دست نیافت، بلکه با پیروزی‌هایی که امام رضا (ع) و امام جواد (ع) در این مناظره‌ها به دست می‌آوردند، آوازه علمی آنان بیش از پیش به گوش مردم می‌رسید و مشتاقان ایشان زیاد می‌شدند تا جایی که حتی افرادی مانند عمران صائبی که

ص: ۱۵۸

در مناظره با امام رضا (ع) پی به اعلیت ایشان برد، جزء شیعیان خاص ایشان درآمد.

مأمون خود پیرو فرقه معتزله بود؛ به همین دلیل، در این زمان نهضت کلامی معتزله بسیار نیرومند شد و چالش‌های فکری خطرناکی برای شیعه به وجود آمد. خردسالی امام جواد (ع) نیز دست‌آویزی شد تا آنان از مبانی عقیدتی شیعه خرده گیرند؛ به‌ویژه این مسأله در محیط عربی، موجب شد که حتی به اصل امامت شیعه بتازند. امام محمدتقی (ع) که مرجعیت علمی جامعه خود را بر عهده داشتند، در پاسخ آنان با بیانی مستدل، توطئه آنان را خنثی می‌کردند و هرگاه فرصتی دست می‌داد، پرسش‌های بسیار شیعیان را در این باره پاسخ می‌دادند، درحالی‌که هنوز بیش از ده سال نداشتند. بدین‌سان امام بر بنیه فکری یاران می‌افزودند و اندیشه آنان را ترقی می‌دادند تا خود را در برابر انحرافات فکری و معرفتی، حفظ کنند.

فعالیت‌های فرهنگی امام جواد (ع)

امام جواد (ع) در این وضعیت، سعی می‌کردند با اقدامات فرهنگی خود، جریان تشیع را هدایت کنند و اسلام راستین را برای مردم معرفی نمایند. ایشان به همین دلیل در طول هفده سال امامت خود فعالیت‌های فرهنگی زیادی انجام دادند؛ از جمله:

^{۱۱}. الفهرست، ص ۴۴۴.

^{۱۲}. اخبار الطوال، ص ۴۴۲.

الف) روایات

آن حضرت در پاسخ به سؤالات یاران و هم‌چنین در مناظراتی که در دربار خلفای عباسی برگزار می‌شد، روایات زیادی بیان فرمودند که تقریباً به ۴۲۱ مورد می‌رسد. ۱۳ از جمله کتاب‌هایی که دربرگیرنده روایات آن بزرگوار است، می‌توان به کتاب تحف‌العقول که پانزده روایت از آن حضرت در آن بیان شده و هم‌چنین کتب اربعه شیعه (تهذیب الأحکام شیخ طوسی، کافی کلینی، الاستبصار شیخ

ص: ۱۵۹

طوسی، من لا یحضر الفقیه شیخ صدوق) اشاره کرد.

ب) مکتوبات

از حضرت جواد الائمه (ع) چندین رساله و پاسخ نامه به مسائل دینی شیعیان بر جای مانده است؛ ۱۴ از جمله سؤالاتی که به صورت مسائل امام جواد (ع) درآمده، می‌توان به سؤالات احمد بن عبدالله بن عیسی اشعری قمی، ۱۵ و خیزران بن اسحاق زاکانی ۱۶ اشاره کرد که به صورت سؤال و جواب است.

کتاب ادعیه الوسائل الی المسائل از جمله مکتوبات دیگری است که به امام جواد (ع) نسبت داده‌اند. امام جواد (ع) این کتاب را مهریه ام‌فضل قرار داد که شامل ادعیه‌هایی در مناجات است. شیخ ابراهیم کفعمی در کتاب البلدالامین در معرفی مأخذ کتابش از این کتاب نام برده است. ۱۷

مهم‌ترین اقدام فرهنگی امام جواد (ع) در آن دوران خفقان، تربیت شاگردانی بود که بتوانند با رهنمودهای امام، روشن‌گر راه برای مسلمانان باشند. در منابع رجالی تعداد ۱۱۶ نفر نام برده شده‌اند که همگی از محضر امام جواد (ع) در علوم مختلف بهره برده‌اند که از این تعداد ۳۷ نفر ایرانی هستند. ۱۸

۱۳. تاریخ تشیع، ج ۲ ص ۳۳۸.

۱۴. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۳۷۹.

۱۵. رجال نجاشی، ص ۱۰۱.

۱۶. سرور الفؤاد، ج ۱، ص ۱۳۷.

۱۷. الذریعه الی التصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۴۰۱.

۱۸. رجال طوسی، ص ۳۷۳.

از این تعداد بیش از بیست نفر در نگارش تاریخ فعالیت داشته‌اند که خود بیان‌گر اهمیت این علم نزد امام جواد (ع) و شاگردان ایشان است. ایرانیان به ویژه از آن جهت که با این علم از دیرباز آشنا بودند، اهمیت فراوانی به این علم می‌دادند. از طرفی، به دلیل این‌که خلافت عباسی سعی می‌کرد وقایع تاریخی و همچنین اقداماتشان را در نظر مردم به گونه‌ای دیگر و بعضاً موجه جلوه دهند، شاگردان حضرت بر آن شدند تا با نگارش کتاب‌های تاریخی، به بیان حقایق بپردازند و برای بیان وقایع صدر اسلام، علاوه بر منابع موثق تاریخی، از روایات

ص: ۱۶۰

امام بهره ببرند که خالی از هرگونه اشتباه بود.

در ادامه به معرفی این افراد و تألیفات تاریخی ایشان خواهیم پرداخت.

۱. احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد برقی قمی (م ۲۷۴ ق)

وی از صحابه و شاگردان امام جواد (ع) و امام هادی (ع) به شمار می‌رود. ۱۹ کشی درباره او می‌نویسد:

وی اصالتاً از اهالی کوفه بود و هنگامی که یوسف بن عمر پس از قتل زید جد وی محمد بن علی را نیز زندانی کرد و به قتل رساند، او به همراه پدرش برای در امان ماندن از تهدیدات به سوی «برق‌رود» فراری گشت. ۲۰

احمد بن محمد برقی نسبت به پدرش محمد بن خالد برقی که به «کبیر» شهرت دارد. ملقب به «صغیر» است. ۲۱ وی در سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ قمری وفات یافته است. ۲۲

وی در شاخه‌های مختلف علمی هم‌چون ریاضیات، نجوم، طب، شعر و اخلاق دارای تألیف است. در علم تاریخ نیز از جمله شیعیان تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود که در شاخه‌های مختلف تاریخ نیز ید طولایی داشته، به گونه‌ای که علاوه بر کتب تاریخی و جغرافیایی به جا مانده از وی، کتاب‌هایی در رجال و انساب نیز به ایشان منتسب است؛ به همین دلیل، سیدمحسن امین وی را جزء نسابان شیعه برشمرده است. ۲۳

^{۱۹}. همان، ص ۳۸۹.

^{۲۰}. رجال کشی، ص ۷۷.

^{۲۱}. ریحانه الأدب، ج ۱، ص ۲۲۵.

^{۲۲}. الذریعه الی التصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۳.

^{۲۳}. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۵۷.

از جمله کتاب‌های تاریخی وی می‌توان به النساء، الطبقات، المساجد الأربعة، الرجال، الفروق (نام مکانی در هجر یا نام جایی در دیار بنی‌اسد)، الأوائل، التاريخ،

ص: ۱۶۱

الأنساب، المغازی، التهانی، التغازی، الأخبار الأمام، الملاحم ۲۴ و التبیان فی أخبار بغداد ۲۵ اشاره کرد. وی همچنین در طبقات نویسی علاوه بر کتب الطبقات کتاب دیگری با نام الشعر و الشعراء نیز نگاشته است. ۲۶

از بین کتاب‌های تاریخی وی، الرجال اهمیت فراوانی دارد که به رجال برقی معروف است. موی این کتاب را در چهارده باب تنظیم کرده است. در باب اول به ذکر صحابه حضرت محمد (ص) پرداخته و پس از آن صحابه حضرت امیرالمؤمنین و سپس امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و تا اصحاب امام یازدهم را در دوازده باب بیان کرده است. سپس در باب سیزدهم به همسران حضرت رسول و کسانی اشاره دارد که از ایشان روایت کرده‌اند و در باب آخر کتاب نیز در مورد کسانی گفته که خلافت ابوبکر را قبول نکردند. ۲۷

نجاشی در ذکر کتاب‌های احمد بن محمد برقی پس از کتاب الرجال، کتاب دیگری با عنوان طبقات را نام می‌برد ولی در فهرست شیخ طوسی فقط کتاب طبقات بیان شده و چنین مستفاد می‌شود که این دو اثر در واقع یکی است و احتمالاً نام اصلی آن هم طبقات الرجال بوده؛ زیرا سبک نوشتاری این کتاب به شیوه طبقات است. این کتاب بارها با تصحیح پژوهش‌گران به چاپ رسیده که از آن جمله می‌توان به تصحیح سیدکاظم میاموی، نجم‌الدین عسکری، سیدشیرمحمد همدانی و سیدابوالقاسم اصفهانی اشاره کرد. ۲۸ وی همچنین جزء افرادی بود که برای بیان واقعیات صدر اسلام که کم‌تر در دوران اموی و عباسی به آن پرداخته می‌شد، دست به نگارش زد و در این زمینه کتابی با نام المغازی نگاشت و در آن به شرح جنگ‌های پیامبر پرداخت.

از دیگر کتاب‌های برقی که در تاریخ اهمیت دارد، التبیان فی اخبار بغداد و

ص: ۱۶۲

^{۲۴}. رجال نجاشی، ص ۷۶-۷۷.

^{۲۵}. أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۱۵۷.

^{۲۶}. همان، ص ۱۹۰.

^{۲۷}. الذريعة إلى التصانيف الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۴۸-۱۴۹.

^{۲۸}. فهرس التراث، ج ۱، ص ۲۹۱.

التغازی است. وی با نگارش این دو کتاب به تاریخ اجتماعی مسلمانان و به ویژه شیعیان پرداخته و در آن به مسائلی مانند شادباش‌گویی در اعیاد، میلادها و دیگر ایام شاد، شکایا بودن صاحبان مصیبت در ایام حزن و اندوه پرداخته که در نوع خود برای بررسی مسائل تاریخی بسیار اهمیت داشته است. از کتاب التغازی وی اثری بر جای نمانده ولی تاریخ‌نگاران بعد از وی از این کتاب بسیار استفاده برده و در آثار خود از آن مطلب آورده‌اند.

۲. احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (م. بعد از ۲۷۴ ق)

وی نیز از صحابه امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) به شمار می‌رود. ۲۹ از اسم وی مشخص می‌شود که او از خاندان اشعریانی است که در قم ساکن شده‌اند. نجاشی وی را از خاندان بنی ذخران بن عوف بن جماهر بن اشعر می‌داند و می‌نویسد که برخی از صحابه او را از اشعریان به شمار می‌آورند و نسب وی را احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک بن هانی بن عامر بن ابی عامر الاشعری می‌دانند. ۳۰ احمد بن عیسی از بزرگان و شیوخ قم به شمار می‌رفت و در سرپرست هیأتی بود که به دیدار حاکم قم رفتند. ۳۱ تاریخ وفات وی مشخص نیست ولی از فحوای آثارش مشخص می‌شود که تا سال ۲۷۴ قمری زنده بوده است. ۳۲

وی از مفسران و فقهای شیعه به شمار می‌رود و علاوه بر این، در علوم طب و تاریخ نیز صاحب تألیف است. در علم تاریخ بیش‌تر به فضایل‌نویسی توجه داشته و دو کتاب فضل‌النبی (ص) و فضائل‌العرب ۳۳ از جمله تألیفات تاریخی وی به شمار می‌رود. همان‌گونه که از نام این دو کتاب مشخص است، فضائل‌العرب

ص: ۱۶۳

وی در مورد برتری اعراب بوده و احتمالاً به دلیل رشد شعوبی‌گری در آن دوره تاریخی به نگارش درآمده و به احتمال زیاد باید متن آن منظوم بوده باشد. کتاب فضائل‌النبی (ص) را هم می‌توان کتابی تاریخی و هم کتابی اخلاقی-کلامی برشمرد؛ زیرا به برتری‌های حضرت محمد (ص) پرداخته است. آقابزرگ تهرانی در الذریعه، در مورد این دو کتاب به رجال نجاشی اشاره کرده و ظاهراً از این دو کتاب اثری به جای نمانده است.

^{۲۹}. رجال طوسی، ص ۳۷۹ و ۴۰۹.

^{۳۰}. رجال نجاشی، ص ۸۱ ۸۲.

^{۳۱}. فهرست طوسی، ص ۴۶ ۴۷.

^{۳۲}. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۱۰۱.

^{۳۳}. رجال نجاشی، ص ۸۱ ۸۲.

۳. احمد بن داوود بن سعيد فزاری

احمد بن داوود مکنی به ابویحیی جرجانی، اصالتاً ایرانی و پرورش‌یافته در گرگان بود. شیخ طوسی وی را در شمار صحابه امام هادی (ع) بیان می‌کند، ۳۴ ولی ابن شهر آشوب او را از صحابه امام جواد (ع) می‌داند. ۳۵ وی در ابتدا از محدثان اهل سنت بود که پس از تحقیق به مذهب شیعه روی آورد ۳۶ و کتاب‌هایی بر رد مذهب حشویه نگاشت؛ از جمله کتاب خلافت عمر به روایت حشویه که جنبه تاریخی دارد، مفاخر البکریه والعمریه و الصحاک (نام یکی از رؤسای فرقه حشویه). ۳۷

۴. دعبل خزاعی (م. ۲۴۵ ق)

دعبل بن علی بن رزین بن عثمان بن عبدالرحمان بن عبدالله بن بدیل ورقاء خزاعی ملقب به ابوعلی الشاعر، ۳۸ از صحابه و شعرای معروف امام رضا (ع) و امام جواد (ع) و امام هادی (ع) بود. او در روستایی بین اهواز و واسط در سال ۱۶۴ ص:

۱۴۸ یا ۱۴۲ قمری به دنیا آمد و کنیه ابوجعفر دارد. ۳۹

وی دائماً در سفر بود و به همین دلیل، شهر مشخصی به عنوان موطن وی بیان نشده است. ۴۰ وی کتاب‌هایی در زمینه تاریخ نگاشته؛ از جمله طبقات الشعرا و کتاب الواحده در مثالب العرب. ۴۱

۵. علی بن مهزیار اهوازی (م. ۲۵۴ ق)

^{۳۴}. رجال طوسی، ص ۳۹۷.

^{۳۵}. الإمام جواد من المهد الى اللحد، ص ۱۲۳.

^{۳۶}. رجال نجاشی، ص ۴۴۵.

^{۳۷}. همان.

^{۳۸}. همان، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ الذریعه الى التصانيف الشيعه، ج ۲۵، ص ۸.

^{۳۹}. اصحاب ایرانی ائمه اطهار، ص ۲۸۲.

^{۴۰}. فهرس التراث، ج ۱ ص ۲۶۱.

^{۴۱}. رجال نجاشی، ص ۱۶۲.

وی از صحابه امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع) به شمار می‌رود ۴۲ کنیه‌اش ابوالحسن، دورقی‌الاصل و پدرش نصرانی بود. بعدها پدرش دین اسلام را پذیرفت و علی بن مهزیار نیز مسلمان شد و تقیه می‌کرد. ۴۳ کشی وی را از علما و محدثان مشهور شیعه می‌داند که تألیفاتش نیز شهرت دارد و تعداد کتاب‌های وی را ۳۳ جلد بیان می‌کند. ۴۴

وی کتاب‌هایی در علم تاریخ به نگارش درآورده؛ از جمله: مثالب، کتاب الأنبياء، ۴۵ وفات ابوذر، اسلام سلمان فارسی و حدیث بدر (سخنانی درباره جنگ بدر). ۴۶ از عناوین این کتاب‌ها، به دست می‌آید که وی اوضاع زمان خود را حس کرده و برای مقابله با تحریفات تاریخی، به تدوین کتاب دست زده است مانند کتاب اسلام سلمان فارسی که به نظر می‌رسد برای مقابله با نژادپرستی و شعوبه‌گری در آن زمان نگاشته شده باشد.

متأسفانه اصل این کتاب به دست ما نرسیده ولی شیخ صدوق روایاتی را از

ص: ۱۶۵

او درباره اسلام آوردن سلمان نقل می‌کند ۴۷ که نشان می‌دهد شیخ اصل کتاب را در اختیار داشته و احادیثی از آن نقل کرده است.

وی در زمینه فضایل‌نگاری نیز آثاری دارد مانند کتاب‌های فضائل امیرالمؤمنین، فضائل المؤمنین و امیرهم و القائم. ۴۸ علی بن مهزیار تا زمان غیبت صغرا زنده بود و حتی محضر امام زمان (عج) را نیز درک کرد. او در سال ۲۵۴ هجری وفات یافت و در جاجرم از توابع خوزستان دفن گردید و امروزه آرامگاه وی زیارتگاه مردم است.

۶. عبدالاسلام بن صالح (ابوالصلت هروی) (م. ۲۳۶ ق.)

کنیه او ابوالصلت هروی و از اصحاب امام رضا (ع) ۴۹ و امام جواد (ع) بود. ۵۰ خاندان او اصالتاً مربوط به «هرو» از توابع خراسان بودند که توسط سپاهیان اسلام به مدینه برده شده و جزء موالیان عبدالرحمان سمره قرار گرفته بودند. وی

۴۲. رجال طوسی، ص ۴۳۰.

۴۳. ریحانه الأدب، ج ۸، ص ۲۳۹.

۴۴. رجال کشی، ص ۲۵۴.

۴۵. همان، ص ۲۳۵.

۴۶. مفاخر اسلام، ج ۱، ص ۱۲۳.

۴۷. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۶۱-۱۶۲.

۴۸. الذریعه الى التصانیف الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۵۰-۲۵۱.

نیز در مدینه به دنیا آمد و در همان جا رشد یافت. از عجایب زندگانی وی آن بود که پنجاه نوبت به زیارت خانه خدا رفت.^{۵۱}

وفات امام رضا (ع) تنها کتابی است که وی در زمینه تاریخ نگاشت.^{۵۲} این کتاب از لحاظ تاریخی بسیار ارزشمند است. زیرا وی به دلیل این که خادم امام رضا (ع) نیز بود، از نزدیک دسیسه دربار عباسی برای قتل امام را شاهد بود. پس از این که امام رضا (ع) توسط مأمون عباسی به شهادت رسیدند، مأمون خود را خون خواه امام نشان داد و مانع از این شد که شیعیان پی به جنایت او ببرند. ابوالصلت با نگارش این کتاب، از جنایت مأمون پرده برداشت.

ص: ۱۶۶

شیخ صدوق در عیون اخبارالرضا از این کتاب بسیار استفاده کرده و روایات زیادی را از آن آورده است؛ همچنین محمد بن فتال نیشابوری در کتاب روضه الواعظین، اخبار روایات شهادت امام رضا (ع) را از این کتاب نقل کرده که نشان می دهد این کتاب تا سال تألیف روضه الواعظین، یعنی حدود قرن پنجم و ششم موجود بوده است.

ابوالصلت هروی در سال ۲۳۳ یا ۲۳۶ هجری در خراسان و در زمان ولایت طاهر بن عبدالله وفات نمود.

۷. محمد بن خالد بن عبدالرحمان برقی قمی

نجاشی کنیه وی را ابو عبدالله می داند و او را از موالی ابو موسی اشعری در روستای برق رود سواد قم برشمرده است.^{۵۳} به نوشته شیخ طوسی، وی از صحابه امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع) بوده و از آنان روایت نقل کرده است.^{۵۴} ولی آقابزرگ تهرانی وی را در شمار اصحاب امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) بیان کرده است.^{۵۵} نجاشی وی را در علم حدیث ضعیف می داند، ولی بیان می کند که او در ادبیات و علوم عرب و اخبار و وقایع، از معروفان زمان خود بوده است.^{۵۶} وی علاوه بر کتاب هایی که در حدیث و ادبیات عرب نگاشته، در زمینه تاریخ نیز

^{۴۹}. رجال نجاشی، ص ۲۴۶.

^{۵۰}. الإمام جواد من المهد الى اللحد، ص ۲۰۵.

^{۵۱}. راویان مشترک امامان شیعه، ج ۱، ص ۵۲۸.

^{۵۲}. رجال نجاشی، ص ۲۴۵.

^{۵۳}. همان، ص ۲۳۶.

^{۵۴}. رجال طوسی، ص ۴۳۵.

^{۵۵}. الذریعه الى التصانيف الشیعه، ج ۲، ص ۱۵۸.

^{۵۶}. رجال نجاشی، ص ۳۳۶.

کتاب‌هایی داشته که از آن جمله می‌توان به کتاب الرجال، الطبقات الرجال، الفروق، الأنبياء والرسل، الجمل، الأوائل، التاريخ، المأثر ۵۷ و الأوس والخزرج اشاره کرد. ۵۸ وی همچنین در زمینه جغرافی نیز دو کتاب با نام‌های مکه و مدینه (همان) و البلدان والمساحه دارد. ۵۹

ص: ۱۶۷

آن‌گونه که از فهرست آثار وی بر می‌آید، محمد بن خالد تاریخ‌نگاری بوده که کوشیده در زمینه‌های مختلف تاریخی نگارش داشته باشد. کتاب‌هایی که در جغرافیا نگاشته، نشان می‌دهد که وی اطلاعاتی درباره سرزمین‌های اسلامی داشته است. وی نیز مانند دیگر شیعیان، سعی کرده در مورد اختلافاتی که در مدینه وجود داشته نیز تحقیق کند و شاید انگیزه وی از نگارش کتاب اوس و خزرج همین بوده باشد. وی در زمینه حوادث دوران حضرت علی (ع) نیز دست به تألیف زده و درباره جنگ جمل نیز کتابی مستقل نگاشته است. از بین دیگر کتب وی، به نظر می‌رسد کتاب‌های الرجال و طبقات الرجال او یکی بوده و در ثبت تاریخ به دو گونه ثبت شده باشد.

۸. محمد بن عیسی بن یقطين (م. ۲۶۰ ق)

کنیه وی ابوجعفر است و کنشی او را از موالی اسد بن خزیمه می‌داند. ۶۰ وی در منطقه سوق العطش (ظاهراً نام محله‌ای در بغداد بوده) زندگی می‌کرده است. ۶۱ طوسی نیز او را از اصحاب امام رضا (ع)، امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) می‌داند ۶۲ که این خود بیان‌گر طول عمر زیاد وی است. شیخ جعفر سبحانی درباره وی می‌نویسد:

محمد بن عیسی از اصحاب چهار امام بزرگوار، علی بن موسی الرضا (ع)، امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) بوده و همین امر موجب شده که درهای علم و معرفت به روی وی گشوده شود و او شخصی متبحر در فقه و حدیث و کلام گردد. ۶۳

وی علاوه بر تألیفاتی که در زمینه فقه و حدیث و کلام داشته و فقیهانی

۵۷. الفهرست ابن ندیم، ص ۴۰۴-۴۰۵.

۵۸. رجال نجاشی، ص ۲۳۵.

۵۹. الذریعه الى التصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۱۴۶.

۶۰. رجال کنشی، ص ۳۳۴.

۶۱. الذریعه الى التصانیف الشیعه، ج ۱۰، ص ۹۲.

۶۲. رجال طوسی، ص ۴۳۵.

۶۳. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۳، ص ۵۵۳.

هم چون شیخ کلینی و شیخ طوسی از آن‌ها استفاده برده‌اند. ۶۴ در زمینه تاریخ نیز تألیفاتی داشته؛ از جمله: الأمل و الرجاء و الرجال. کتاب الرجال وی بسیار اهمیت دارد و توسط نجاشی به دو واسطه روایت شده است. ۶۵

۹. محمد بن عبدالله بن جعفر بن حسین بن جامع بن مالک حمیری

کنیه وی ابوجعفر و ملقب به ابوجعفر قمی است. او را از اصحاب امام رضا (ع) و امام جواد (ع) دانسته‌اند. ۶۶ وی از محدثانی است که شیخ صدوق و شیخ کلینی از آثارش استفاده کرده‌اند. ۶۷ وی علاوه بر علم حدیث، در زمینه تاریخ و جغرافیا نیز دست به قلم بوده و آثاری مانند کتاب السماء، کتاب الأرض، کتاب المساحة و البلدان در جغرافیا و کتاب الأوائل درباره بیان خرق عادات و معجزات پیامبر نگاشته است. ۶۸

۱۰. حسین بن سعد بن حماد اهوازی (م. بعد از ۲۵۴ ق)

جد وی مهران از غلامان امام زین العابدین (ع) بوده است. ۶۹ حسین و برادرش حسن به دلیل خفقانی که در منطقه عراق بوده، از کوفه به قم هجرت می‌کنند و در آن جا نزد حسن بن ابان ساکن می‌شوند و جزء محدثان و فقهای مشهور قم می‌شوند. این دو از اصحاب امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع) به شمار می‌روند و از این بزرگواران روایت نقل کرده‌اند. ۷۰ حسین کتاب‌های بسیاری در علوم مختلف نگاشته که چند مورد از آن درباره علم تاریخ است که از این

بین می‌توان کتاب‌های المناقب، المثالب، الملاحم و المزار را نام برد. ۷۱ در این بین المزار، می‌تواند از آن جهت مهم باشد که جزء اولین کتاب‌ها در این دوران است که به مزارات اسلامی توجه دارد.

۶۴. همان، ۵۵۴.

۶۵. الذریعه الى التصانیف الشیعه، ج ۱۰، ص ۹۱.

۶۶. الصوارم المهرقه، ج ۱، ص ۴۳۷.

۶۷. الذریعه الى التصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۷۳.

۶۸. رجال نجاشی، ص ۳۵۴.

۶۹. همان، ص ۵۹.

۷۰. رجال طوسی، ص ۳۹۹.

۷۱. همان.

از کتاب‌های وی تاکنون دو کتاب با نام‌های المؤمن و الزهد ترجمه شده و به چاپ رسیده است. از نسخ خطی کتاب‌های وی نیز تنها نسخه‌ای از کتاب الصوم وی در کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود.

۱۱. حسن بن سعد بن حماد اهوازی (م. بعد از ۲۵۴ ق)

وی برادر حسین بن حماد بود و چنان‌که بیان شد، به همراه یک‌دیگر به قم هجرت کردند و در آن‌جا ساکن شدند و در همان‌جا نیز وفات یافتند. حسن نیز مانند برادرش، از فقها و محدثان قم به شمار می‌رفت که از محضر امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع) بهره بردند. کشی درباره منابع روایی او چنین می‌نویسد:

حسن برادر حسین در جمیع اساتید خود مشترک بوده‌اند مگر زرعه بن محمد حضرمی و فضاله بن ایوب.^{۷۲}

حسن بن حماد نیز مانند برادرش دارای تألیفات فراوانی بوده که تعداد آن را نزدیک سی کتاب دانسته‌اند و یکی از دلایل شهرت وی نیز همین تألیفات زیاد اوست.

وی هم‌چون برادرش در علم تاریخ نیز کتبی را به رشته تحریر درآورده با نام‌های المناقب، المثالب و الملاحم.^{۷۳} همین تشابه اسمی کتاب‌ها این ظن را بیش‌تر می‌کند که شاید کتاب‌های وی همان کتاب‌های برادرش باشد یا این‌که کتاب‌های او را به برادرش منتسب می‌کنند و یا این‌که هر دو نفر در تألیف این کتاب‌ها نقش داشته‌اند.

ص: ۱۷۰

نتیجه

امام جواد (ع) در طول حیات سیاسی- فرهنگی خود همواره سعی داشتند که حقایق اسلام ناب را برای مردم بیان کنند. ایشان به دلیل محدودیت‌هایی که خلافت عباسی برایشان به وجود آورده بود، مجبور شدند سیاست تقیه را در پیش بگیرند تا به این‌گونه از فشار دستگاه خلافت بر خود و شیعیانشان بکاهند.

امام جواد (ع) برای پیشبرد اهداف خود و در جهت رسالت امامتشان، سعی بر تربیت شاگردانی داشتند تا در آن جو خفقان، نایب ایشان و منتقل‌کننده سخنان ایشان برای مردم و نسل آینده باشند. در این زمینه امام جواد (ع) توانستند

^{۷۲}. رجال کشی، ص ۵۹.

^{۷۳}. نجاشی، همان.

شاگردان بسیاری را تربیت کنند که نه تنها بیان‌کننده احکام اسلامی باشند، بلکه با توجه به اوضاع زمانه ایشان، هر کدام در علومی خاص صاحب‌نظر و اندیشه و بعضاً صاحب اثر باشند.

نگاهی به تألیفات شاگردان آن حضرت، نشان می‌دهد که امام در بیش‌تر علوم رایج آن زمان صاحب‌نظر بوده و شاگردانی تربیت کرده‌اند که هر کدام مرجع علمی آن علم به شمار می‌رفته‌اند به گونه‌ای که دانشمندان دوران بعد با استفاده از کتاب‌های ایشان، توانسته‌اند به درجات علمی بالایی برسند و دستاوردهای آنان را دنبال کنند.

در بین شاگردان حضرت امام جواد (ع)، افرادی برای بیان حقایق تاریخی اسلام به جرگه تاریخ‌نگاران درآمدند و با استفاده از روایات امام جواد (ع)، سعی کردند تا حقایق تاریخی را بیان کنند که در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس کم‌تر بیان شده بود و پرده از بعضی از حقایق تحریف‌شده بردارند. در این بین سهمی هم شاگردان ایرانی آن حضرت داشتند تا به این وسیله هم ارادت خود را به ساحت پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و امامان شیعه ابراز نمایند و هم با توجه به روحیه تعصب عربی از یک طرف و شعوبی‌گری ایرانی از طرف دیگر، به بیان حقایق تاریخی اقدام کنند تا به این وسیله بتوانند تاریخ اسلام را بیان

ص: ۱۷۱

نمایند و شیعیان را از گرویدن به این فضا‌های آلوده حفظ کنند.

حاصل این تلاش‌ها آن شد که کتاب‌های تاریخی بسیاری در زمینه‌های مختلف تاریخی از جمله سیره، رجال، طبقات، ملاحم، مزارات و دیگر رشته‌ها نگاشته شود و راه‌گشای تاریخ‌نگاران بعدی گردد.

ص: ۱۷۲

منابع

ابن شهر آشوب، (۱۴۰۵ ق)، مناقب آل ابی طالب، بیروت: دارالاضواء.

ابن ندیم، (۱۳۶۶)، فهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر.

امین، سید محسن، (۱۴۰۶ ق)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

تهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۸ ق)، الذریعه الی التصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان.

حسینی جلالی، سید محمد حسین، (۱۴۲۲ ق)، فهرس التراث، قم: انتشارات دلیل ما.

حسینیان مقدم، حسین و داداش نژاد و دیگران، (۱۳۸۴ ش)، تاریخ تشیع، ج ۲، قم: سمت.

دوانی، علی، (۱۳۶۳ ش)، مفاخر اسلام، تهران: امیرکبیر.

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، (۱۳۷۱ ش)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.

سبحانی، شیخ جعفر، (۱۴۱۸ ق)، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

سحاب، ابوالقاسم، (۲۵۳۶ م)، سرورالفؤاد (زندگانی حضرت امام جواد محمد بن علی التقی)، تهران: انتشارات اسلامی.

شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۶۷ ش)، الصوارم المهرقه، تهران: انتشارات چاپخانه نهضت.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه قمی، (بی تا)، کمال الدین و اتمام النعمه، ترجمه علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

شیخ مفید، محمد بن محمد، (بی تا)، الإرشاد، ترجمه رسول هاشمی محلاتی، تهران: علمیه اسلامی.

طبرسی، علی فضل بن حسن، (۱۳۳۸ ش)، اعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: ناشر المکتبه العلمیه الإسلامیه.

طوسی، ابن جعفر محمد بن حسین، (۱۴۱۵ ق)، اختیار معرفه الرجال (رجال

ص: ۱۷۳

کشی)، بی جا: اهل بیت.

-----، (۱۳۸۰ ش)، رجال طوسی، نجف: ناشر الحیدریه.

-----، (بی تا)، فهرست طوسی، بی جا: ناشر المکتبه المرتضویه.

عزیزی، حسین و پرویز رستگار و دیگران، (۱۳۸۰ ش)، راویان مشترک امامان شیعه، قم: بوستان کتاب.

قریشی، سید حسین، (۱۳۸۶ ش)، اصحاب ایرانی ائمه اطهار، قم: نشر آشیانه مهر.

قزوینی، محمد کاظم، (۱۴۱۴)، الإمام جواد من المهد الى الحد، قم: ناشر الموسسه الرساله.

مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی، (۱۳۷۴ ش)، ریحانه الأدب، بی جا: شرکت سهامی نشر کتاب.

مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۷۴ ش)، البدأ والتاریخ (آفرینش و تاریخ)، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.

نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۱۸ ش)، رجال نجاشی، قم: ناشر الإسلامی.

نوبختی، حسن بن موسی، (۱۳۶۱ ش)، فرق الشیعه، ترجمه و تعلیقات محمدجواد مشکور، تهران: علمی و فرهنگی.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، (۱۳۷۱ ش)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: علمی فرهنگی.

۷۴

ص: ۱۷۴

^{۷۴} همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (۱۳۹۵: قم)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ۳ جلد، مرکز مدیریت حوزه های

علمیه - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۵ ه.ش.